به گزارش خبرگزاری حوزه، چهارمین پیش‌همایش هشتمین دوره کتاب سال حکومت اسلامی و سی‌وششمین پیش‌نشست همایش بین‌المللی «دین، فرهنگ و فناوری» با موضوع «واکاوی فقهی تحقق قصاص در جنگ‌های نامتقارن فناورانه»، پنج‌شنبه ۱۴ آبان در دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام قم برگزار شد.

آیت‌الله محمود رجبی عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری و رئیس مؤسسه امام خمینی قدس‌سره، در این نشست با محوریت «غایت‌شناسی خون‌خواهی» سخن گفت و اظهار کرد: مسئله غایت‌شناسی، بخشی از مباحث فلسفه احکام و به‌خصوص جزئی از فلسفه احکام جزایی است و از سوی دیگر با فقه‌المقاصد ارتباط پیدا می‌کند که مباحث گسترده‌ای دارد.

خون‌خواهی فردی و خون‌خواهی اجتماعی.سیاسی

آیت‌الله رجبی با بیان اینکه غایت‌شناسی ابعاد مختلفی دارد، خون‌خواهی را در یک دسته‌بندی کلان به دو بخش فردی و اجتماعی.سیاسی تقسیم کرد و گفت: در خون‌خواهی فردی، شخصی به عنوان یک فرد، جنایتی را علیه شخص دیگری انجام می‌دهد و حق عفو، دریافت دیه یا درخواست حکم قتل با کسی است که خون‌خواه مقتول است.

وی افزود: در خون‌خواهی اجتماعی.سیاسی، نه قاتل صرفاً به عنوان یک شخص اقدام می‌کند و نه مقتول، که در فرهنگ ما به شهادت می‌رسد، صرفاً یک فرد است؛ بلکه هر دو، نماینده، نماد و نشان یک ساختار حکومتی، یک ایدئولوژی و یک آرمان هستند.

رئیس مؤسسه امام خمینی قدس‌سره تأکید کرد: حتی آنجا که قصاص و خون‌خواهی شخصی است، از منظر اسلام این خون‌خواهی بُعد اجتماعی دارد. غایتی که در آیات و روایات برای آن بیان شده، یک مسئله اجتماعی است. وقتی می‌فرماید ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ﴾، مقصود صرفاً حیات مقتول یا خانواده او نیست، بلکه حیات جامعه در سایه همان خون‌خواهی شخصی محقق می‌شود.

با قتل جانی نباید تصور کرد همه جرم پاک شده است

وی با تأکید بر اینکه نباید با اجرای قصاص تصور شود همه جرم کاملاً پاک شده است، به آیه «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» استناد کرد و گفت: این یک قتل است، اما به منزله قتل همه انسان‌هاست. نهایت آنچه در قصاص فردی رخ می‌دهد، این است که یک فرد در برابر فرد دیگر کشته می‌شود، اما این دو کشته شدن بسیار متفاوت‌اند؛ در یک طرف، شخصی عمداً فردی را بدون آنکه جرمی مرتکب شده باشد، کشته است و در طرف دیگر، قتل به عنوان مجازات و به‌حق صورت می‌گیرد.

آیت‌الله رجبی افزود: از منظر غایت‌شناسی نباید تصور کنیم با قتل جانی، مسئله خاتمه پیدا کرده و دو طرف برابر شده‌اند؛ این دو بسیار متفاوت‌اند.

ضرورت نگاه تمدنی به قصاص

عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری، محور بحث خود را نگاه تمدنی به قصاص دانست و اظهار کرد: فرض این است که اسلام آمده تا تمدنی جهانی را شکل دهد؛ ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾. در این بُعد از غایت‌شناسی باید پرسید در برابر جنایت‌ها و قتل‌هایی که در سطح ساختاری رخ می‌دهد، چگونه باید به خون‌خواهی نگاه کرد؟ آیا با کشته شدن نه یک نفر، بلکه ده‌ها نفر و همه جانیانی که نقش داشته‌اند، خون‌خواهی از نظر غایت‌شناسی محقق شده است یا مسئله فراتر از این‌هاست؟

وی ادامه داد: اینجا دیگر صرفاً افراد مطرح نیستند، بلکه دو ساختار حکومتی و حتی دو ساختار تمدنی در برابر هم قرار دارند؛ یک ساختار شرک و استکبار که می‌خواهد تمدن اسلامی حق و عدل را از بین ببرد و یک تمدن حق که می‌خواهد در برابر استکبار و شرکی که مردم را به بردگی غیر خدا می‌خواند، بایستد.

آیت‌الله رجبی گفت: باید دید اقتضای چنین رویکردی در خون‌خواهی شهیدانی که در این جنگ داشتیم، به‌خصوص رهبر عزیز ما، چیست. در این منظر باید به غایت‌شناسی کلام سیاسی ثار و خون‌خواهی، و به خون‌خواهی به مثابه یک نظام و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری تمدن نگاه شود.

سه پرسش درباره
غایت خون‌خواهی و تکلیف امت و حاکمیت

وی در تبیین پرسش‌های اصلی بحث بیان کرد: سؤال نخست این است که آیا در هندسه کلام سیاسی اسلام و به خصوص مکتب عاشورا، خون‌خواهی در هلاکت فیزیکی قاتل یا قاتلان، با انواع نقش‌هایی که داشته‌اند، خلاصه می‌شود یا تا نابودی ساختار باطل ادامه پیدا می‌کند و بُعد برتر آن، نابودی این ساختار است؟

رئیس مؤسسه امام خمینی قدس‌سره افزود: سؤال دوم این است که ناکارآمدسازی راهبرد کلان دشمن، که می‌خواهد مانع شکل‌گیری ساختار و تمدن حق شود یا آن را از بین ببرد، چگونه می‌تواند از نظر فقهی مصداق ضربه متقابل باشد؟ آیا ضربه متقابلی که موجب شفای صدور قوم مؤمنین می‌شود، با قتل جانیان حاصل می‌شود یا مصداق اتم آن و آنچه قلوب خون‌خواهان و اولیای دم را در بُعد سیاسی آرام می‌کند، فراتر از این است؟

وی سومین سؤال را تکلیف شرعی امت و حاکمیت در تبدیل شهادت رهبران به پیشران قدرت‌افزایی ساختاری دانست و گفت: باید روشن شود امت و حاکمان چه تکلیفی دارند تا شهادت رهبران را به پیشران قدرت ساختاری تبدیل کنند و زایش مستمر قدرت چگونه می‌تواند بزرگ‌ترین ضربه نامتقارن را به دستگاه محاسباتی دشمن وارد سازد. یکی از اموری که دشمن را از تعرض بازمی‌دارد، تصحیح خطای محاسباتی اوست.



آیت‌الله رجبی تبیین کرد

سه تکلیف امت و حاکمیت برای تحقق خون‌خواهی امام شهید قدس‌سره

عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر اینکه خون‌خواهی امام شهید با قصاص عاملان ترور به پایان نمی‌رسد و با تضعیف و برچیده شدن ساختار باطل به غایت خود می‌رسد، سه تکلیف اساسی امت و حاکمیت را در این مسیر، «پیشرفت علمی و فناوری بومی»، «نظام‌سازی و تربیت نیروهای توانمند» و «دیپلماسی مقاومت و جنگ روایت‌ها» عنوان کرد.

نظام سلطه با کنار رفتن اشخاص و احزاب هم، مسیر خود را ادامه می‌دهد

آیت‌الله رجبی در پاسخ به پرسش نخست، بار دیگر بر ضرورت نگاه تمدنی تأکید کرد و گفت: در نظام سلطه، حتی با فرض از بین رفتن همه جانیان و فراتر از آن، کسانی که نقشی هم نداشته‌اند، باز فراراهبردهایی برای بقای آن وجود دارد. حتی اگر یک حزب به کلی از گردونه سیاست خارج شود، شاهدیم که با جابجایی احزاب، نظام‌های سیاسی همان مسیر و اهداف را ادامه می‌دهند.

وی افزود: فراراهبردهای آن‌ها به‌گونه‌ای است که حتی کنار رفتن یک حزب نیز در سلطه‌گری‌شان خدشه ایجاد نمی‌کند. وقتی با چنین دشمنی روبرو هستیم، با قتل جانیان، غایت تمدنی خون‌خواهی حاصل نمی‌شود.

عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری تصریح کرد: در هندسه کلامی اسلام، فریضه خون‌خواهی منحصر در هلاکت فیزیکی نیست و با انهدام ساختار باطل است که تحقق پیدا می‌کند. از این رو، برای بررسی مسئله بر اساس مبانی اسلامی و بیانات دینی، باید از حد یک قتل یا به شهادت رساندن فراتر رفت.

تهاجم به رهبر جامعه دینی بخشی از یک جنگ است

وی اظهار کرد: وقتی به رهبر جامعه دینی تهاجم می‌شود، این اقدام بخشی از یک جنگ است. دیگر نباید صرفاً با این نگاه به مسئله پرداخت که فردی به شهادت رسیده و می‌خواهیم قصاص او را بگیریم؛ جنگی رخ داده و باید دید قرآن در فلسفه جنگ دفاعی اسلام چگونه با ما سخن می‌گوید.

آیت‌الله رجبی با استناد به آیه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾ گفت: در این مصاف باید مبارزه با دشمن تا جایی پیش برود که فتنه وجود نداشته باشد. تعبیر امام عزیز ما، «جنگ، جنگ تا رفع فتنه در جهان»، نیز برگرفته از همین آیه بود؛ در زمانی که ما می‌گفتیم «جنگ، جنگ تا پیروزی»، امام فرمودند «جنگ، جنگ تا رفع فتنه در جهان». با این نگاه، خون‌خواهی و غایت‌شناسی آن وارد فضای جنگی می‌شود که این حادثه بخشی از آن است.

پیوند خون‌خواهی عاشورا با حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

رئیس مؤسسه امام خمینی قدس‌سره در ادامه با اشاره به نهضت عاشورا و مفهوم ثارالله گفت: با آنکه مختار قاتلان را به هلاکت رساند، اهل‌بیت علیهم‌السلام خون‌خواهی را رها نکردند و راه را ادامه دادند. در مکتب عاشورا که قله حماسی و کامل‌ترین تجلی کلام سیاسی شیعه است، بحث ثارالله مطرح می‌شود؛ یعنی خون‌خواه خون اباعبدالله، خداوند متعال است.

وی افزود: وقتی خداوند خون‌خواه است، یعنی این شهدا برای اعلای کلمةالله، نفی سلطه کفار و کنار زدن سدی که مشرکان در برابر پیشرفت قرار داده‌اند، به میدان آمده‌اند. در نظام اجتماعی نیز حاکمیت و ولایت، متولی خون‌خواهی هستند و این خون‌خواهی باید تا رفع کامل فتنه ادامه پیدا کند.

وی با اشاره به عبارت «أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» اظهار کرد: خون‌خواهی نهضت عاشورا به حکومت جهانی حضرت مهدی پیوند داده می‌شود؛ یعنی این مسیر تا زمانی که حضرت بیایند و رفع فتنه کنند، ادامه دارد.

توقف در قصاص فردی تقلیل‌گرایی و خطای محاسباتی است

آیت‌الله رجبی با اشاره به استفاده دشمن از هوش مصنوعی، تسلیحات سایبری، پایگاه‌های داده فرامرزی و پهپادهای رادارگریز در جنگ‌های نامتقارن، عوامل دخیل در این شهادت‌ها را، بازوهای اجرایی ماشین عظیم تروریستی دولتی دانست و افزود: بنابراین اگر فقه مقاومت در این برهه صرفاً در حد قصاص فردی متوقف شود و خواهان هلاکت فیزیکی افسران میانی و امثال آنان باشد، دچار تقلیل‌گرایی مفرط و خطای محاسباتی مهلکی شده است.

وی با طرح این پرسش که آیا با محاکمه و اعدام ده‌ها یا صدها نفر در دادگاه بین‌المللی، مسئله خاتمه می‌یابد، گفت: اکتفا به این سطح، قدمی در جهت آن تمدن نوین نیست. بُعد برتر و غایی تقاص، عملیاتی پیچیده، چندلایه، مستمر و راهبردی است که به فرسایش، ناکارآمدی و در نهایت انهدام ساختاری ماشین ترور دولتی منجر شود.

رئیس مؤسسه امام خمینی قدس‌سره بیان کرد: خون‌خواهی در این مکتب به معنای فلج کردن پایه‌های فناورانه و لجستیکی دشمن و از میان برداشتن پایگاه‌های فکری، امنیتی و نفوذ منطقه‌ای اوست. بدون از بین بردن پایگاه نفوذ منطقه‌ای دشمن، نمی‌توان با نگاه تمدنی به خون‌خواهی پرداخت. باید مصداق ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾ در اینجا رخ دهد.

ضربه متقابل باید با تعذیب و خواری دشمن همراه باشد

آیت‌الله رجبی در پاسخ به پرسش دوم، درباره نسبت ناکارآمدسازی راهبرد کلان دشمن با ضربه متقابل و شفای صدور مؤمنین، گفت: در اینجا به آیات قتال رجوع می‌کنیم و نباید گفته شود که قتال غیر از قصاص است؛ زیرا در این خون‌خواهی، بخشی از یک جنگ را مدیریت می‌کنیم.

وی آیه ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ﴾ را از تعابیر متعالی و راهگشا در نبرد با کفر و استکبار دانست و اظهار کرد: نباید صرفاً بگوییم خداوند با عوامل غیبی خود دشمن را شکست خواهد داد. تعبیر «بِأَيْدِيكُمْ» تأکید دارد که این اقدام باید به دست ملت و حکومت آن رخ دهد.

وی افزود: این قتال برای آن است که دشمن با دست شما تعذیب شود و به سزای عملش برسد و در عین حال، با خواری او همراه باشد. تا زمانی که دشمن از اقتدار برخوردار است و می‌تواند امکانات خود را در قالب و شکلی دیگر به کار گیرد، دچار خفت و خواری نشده و بر اریکه قلدری خود نشسته است. خون‌خواهی باید به گونه‌ای ادامه یابد که به خفت و خواری، به زانو درآمدن و تسلیم او در برابر نظام اسلامی منتهی شود.

آرامش جامعه اسلامی با باقی ماندن سلطه و تهدید دشمن حاصل نمی‌شود

عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری در توضیح عبارت «وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ» اظهار کرد: آیه می‌توانست از آرامش دل اولیای دم و کسانی سخن بگوید که عزیزی را از دست داده‌اند، اما تعبیر «قوم مؤمنین» را به کار برده است. قوم شاید نزدیک‌ترین واژه در لسان قرآن به جامعه باشد؛ یعنی باید برای جامعه اسلامی تشفی خاطر حاصل شود.

آیت‌الله رجبی افزود: پرسش بنیادین این است که شفا و آرامش در سطح عالی آن، چگونه برای امت اسلامی رخ می‌دهد؟ آیا با کشتن جانیان، در حالی که سلطه، قدرت و قلدرمآبی آن‌ها باقی است و هنوز تسلیم نظام ما نشده‌اند، این آرامش حاصل می‌شود؟ وقتی مؤمنین نگران‌اند که هر لحظه حمله به شکل دیگری آغاز شود، آرامشی پدید نمی‌آید، چه رسد به تحقق ﴿وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ﴾.

هدف دشمن، قطع زنجیره فرماندهی و شکستن اراده میدان است

رئیس مؤسسه امام خمینی رحمه‌الله با مقایسه جنگ‌های متقارن و نامتقارن گفت: دشمن می‌خواهد زنجیره فرماندهی را قطع کند و نمونه‌های آن در این جنگ‌ها روشن است. این اقدامات برای بر هم زدن موازنه بازدارندگی انجام می‌شود تا قدرت بازدارندگی ما به شکل مطلوبی که غایت‌شناسی خون‌خواهی اقتضا می‌کند، محقق نشود.

آیت‌الله رجبی تأکید کرد: از منظر فقه سیاسی و کلام راهبردی، ضربه متقابل در شکل تام خود، ضربه‌ای است که مستقیماً دستگاه محاسباتی دشمن را هدف قرار دهد و آن را به اختلال و فروپاشی برساند تا نتواند تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های خود را عملی کند.

استقامت میدانی و ارتقای جهشی فناوری؛ دو مسیر ناکارآمدسازی راهبرد دشمن

وی با توصیف رهبر شهید انقلاب اسلامی به عنوان استراتژیست مکتب مقاومت گفت: ایشان همواره تأکید داشتند که دشمن در دستگاه محاسباتی کاملاً مادی و سکولار خود، توان تحلیل قدرت نرم، اراده شهادت‌طلبانه و تاب‌آوری مؤمنانه را ندارد و خارج از آن چارچوب فکر نمی‌کند.

وی ادامه داد: راه ناکارآمدسازی استراتژی کلان دشمن از دو مجرای به هم پیوسته می‌گذرد؛ استقامت میدانی در شرایط خلأفرماندهی و ارتقای جهشی فناوری مقاومت. ما هم در فناوری و هم در استقامت میدانی باید جهش داشته باشیم.

آیت‌الله رجبی، آرام‌بخش قلوب جبهه خون‌خواهان را مشاهده استیصال استراتژی دشمن دانست و گفت: اینکه ماشین جنگی دشمن با صدها و هزاران میلیارد هزینه، نتوانسته اراده مستحکم ملت ما را در هم بشکند، معنای خزی دشمن است.

وی تصریح کرد: این انتقام ترکیبی، از آنجا که مانع تحقق غایت قاتل در صحنه ژئوپلیتیک می‌شود و اهداف عالیه مقتول را تثبیت می‌کند، کامل‌ترین و مشروع‌ترین نوع قصاص راهبردی است. برای در هم شکستن اعتماد به نفس دشمن و التیام عمیق قلوب جبهه حق، باید به این اقدامات پرداخت.

تکلیف اصلی، تبدیل شهادت رهبران به پیشران قدرت‌افزایی است

آیت‌الله رجبی در پاسخ به پرسش سوم، تبیین تکلیف شرعی امت و حاکمیت را کلیدی‌ترین بخش بحث دانست و گفت: باید شهادت رهبران، به جای آنکه موجب ضعف، سستی، درهم‌پاشیدگی یا خدای نکرده شکست شود، به پیشران قدرت‌افزایی ساختاری تبدیل شود و زایش مستمر قدرت، ضربه نامتقارن را به دستگاه محاسباتی دشمن وارد کند.

وی با اشاره به قاعده نفی سبیل و آیه ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ اظهار کرد: در فقه سیاسی شیعه، از این قاعده استنباط می‌شود که هرگونه سلطه کفار بر مسلمین، اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و امنیتی، حرام شرعی است. خداوند چنین سلطه‌ای را قرار نداده و مسئولان نمی‌توانند در این عرصه‌ها کوتاه بیایند؛ مقابله با آن از واجبات شرعی حاکمیت است.

رئیس مؤسسه امام خمینی قدس‌سره تأکید کرد: تکلیف شرعی حاکمیت پس از شهادت رهبر نباید به برگزاری مراسم، عزاداری یا حتی پاسخ صرفاً نظامی محدود شود. تکلیف اصلی، تبدیل شهادت رهبران به پیشران قدرت‌افزایی ساختاری است و برای استمرار این قدرت‌افزایی، باید در چند رکن اساسی فقه مقاومت اقدام کرد که هر یک ضربه‌ای مهلک به دستگاه محاسباتی دشمن است.

رکن نخست؛ پویاسازی نهاد علم و ارتقای فناوری بومی

آیت‌الله رجبی، نخستین رکن را پویاسازی نهاد علم و ارتقای فناوری بومی عنوان کرد و گفت: این همان موضوعی است که رهبر رشیدمان در بیانات خود به‌جد بر آن تأکید کرده‌اند.

عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه افزود: از آنجا که ترورها در بستر جنگ‌های نامتقارن فناورانه رخ داده، ارتقای فناوری از باب مقدمه واجب بر عهده حاکمیت است و مصداق ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ قرار می‌گیرد.

وی با اشاره به بحث دکترین هسته‌ای تصریح کرد: اینکه این فناوری‌ها تا کجا پیش برود و آیا تغییری در دکترین هسته‌ای ایجاد شود یا نشود، بحث دیگری است؛ اما در هر حال، حاکمیت باید پویاسازی نهاد علم و ارتقای فناوری را جدی بگیرد و ظرفیت‌های علمی، سایبری، پدافندی و تسلیحاتی را افزایش دهد تا شکاف فناورانه با دشمن پر شود.

رکن دوم؛ نظام‌سازی، زایش مستمر و رفع قائم به شخص بودن

آیت‌الله رجبی دومین رکن را نظام‌سازی، زایش مستمر، تکثیر الگو و رفع قائم به شخص بودن دانست و اظهار کرد: باید برای نیروسازی سرمایه‌گذاری بسیار زیادی صورت گیرد و نظامی وجود داشته باشد که بتواند چنین نیروهایی را پرورش دهد. دشمن با نگاه سکولار خود تصور می‌کند با حذف فیزیکی یک شخص کلیدی، تمام شبکه نابود می‌شود. اگر نظام واقعاً قائم به افراد باشد، چنین اتفاقی هم ممکن است رخ دهد و با رفتن یک فرد، نتوان فرد مشابهی جایگزین کرد.

رئیس مؤسسه امام خمینی قدس‌سره با تأکید بر ضرورت ارتقای نظام‌سازی متناسب با شرایط روز اظهار کرد: پس از جریانات اخیر، چندین بند برای پیش‌بینی‌های لازم به آیین‌نامه خبرگان اضافه شد؛ زیرا شرایط، افزودن چنین بندها و اصولی را اقتضا می‌کرد.

وی گفت: بزرگ‌ترین ضربه نامتقارن به دستگاه معیوب محاسباتی دشمن، نشان دادن این حقیقت وجودی و کلامی است که ساختار ولایی مقاوم، قائم به حق و خودترمیم‌گر است و باید این ویژگی در نظام نهادینه شود. تلاش‌هایی که از آغاز نهضت تاکنون علیه اصل نظریه ولایت فقیه و شخص ولی فقیه صورت می‌گیرد، از آن روست که دشمن این نقش را می‌بیند.

ضرورت تربیت ده‌ها و صدها سردار و نهادینه‌سازی شبکه‌سازی

آیت‌الله رجبی ادامه داد: حاکمیت مکلف است کادرسازی، شبکه‌سازی غیرمتمرکز و تفویض اختیارات را به‌گونه‌ای سامان‌دهی و نهادینه کند که با افتادن یک عَلَم از دست سردار، ده‌ها سردار دیگر با توانمندی مضاعف و اراده عمیق‌تر آن را برافرازند. این مسئله هم در عرصه شخص ولی فقیه و هم در عرصه سرداران مطرح است.

رکن سوم؛ دیپلماسی مقاومت و هژمونی در جنگ روایت‌ها

عضو هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری، سومین رکن را فعال‌سازی دیپلماسی مقاومت و هژمونی در جنگ روایت‌ها عنوان کرد و گفت: در تقابل کلاسیک، قصاص در میدانی محدود، ایزوله و فردی رخ می‌دهد، اما در عصر جنگ ترکیبی–شناختی، افشای چهره جنایتکارانه دشمن، بسیج افکار عمومی جهان اسلام و مستضعفان عالم و محاصره سیاسی هژمونی باطل، بخش جدایی‌ناپذیر این فریضه است. نمی‌توان از خون‌خواهی سخن گفت و این مسائل را نادیده گرفت.

آیت‌الله رجبی تأکید کرد: حاکمیت باید با قدرت نرم، مشروعیت ساختار بین‌المللی دشمن را به چالش بکشد و نشان دهد که سیستم استکباری، ناقض حیات کل بشریت است. تلاش‌هایی انجام شده، اما باید بشریت از وجود چنین عناصری احساس خطر کند تا زمینه سقوط چنین نظامی فراهم شود.

زایش نیرو، ایده و فناوری؛ ظهور عینی حیات طیبه شهدا

وی زایش مستمر نیرو، ایده و فناوری را ظهور عینی حیات طیبه شهدا دانست و اظهار کرد: وقتی خون شهید به جای تزریق یأس و انفعال، به موتور محرک تحقیق و توسعه، شجاعت و ابتکار عمل در میدان نخبگان و جوانان تبدیل شود، دستگاه محاسباتی قاتلان دچار فروپاشی کامل شناختی خواهد شد. آن‌ها در می‌یابند که عملیات ترور به جای تأمین امنیت برای جبهه کفر، به صورت تصاعدی سطح تهدید علیه موجودیتشان را افزایش می‌دهد و هسته‌های مقاومت را در سراسر منطقه و حتی جهان بیدار می‌کند.